



گروهی با عربستان (که به هر دلیلی سوم شده) یا قطری که در گروه خود به مشکل خورده بر خورد کند. در مرحله بعد با کره جنوبی آماده روبرو و شود و در نیمه‌نهایی، ژاپن تا دندان مسلح انتظارش را بکشد. این سناریو، نیازمند سه نبرد گل‌آلوداتوری برای رسیدن به فینال است که انرژی هر تیمی را تخلیه‌می‌کند.

امانستارو بسوم که در دنیای واقعی و به دور از افرق، مسیر ایران این گونه پیش‌بینی می‌شود؛ گذر از مرحله گروهی به‌عنوان صدرنشین، پیروزی مقابل فلسطین با‌عمان در مرحله یک‌هشتم‌نهایی، اما پرده سوم؛ اگر ایران از خوان کره‌ای‌ها جان سالم به در ببرد، در ورز شگاه کینگ سعود احتمالاً با میزبان قدرتمند، یعنی عربستان سعودی (که فرض بر صدرنشینی آن در گروه A است) با تیمی از بین تیم‌های دوم گروه‌های B و F روبرو خواهد شد. نبرد با عربستان میزبان، با آن همه تماشایگر پر شور و ورز شگاه‌های مدرن، یک جنگ تمام‌عیار ورزشی خواهد بود. تیمی که برای فرار از طلسم کره‌ها من نشدن، تمام امکانات کشورش را بسیج کرده‌است.

با نگاهی به جدول مسابقات و مسیرهای احتمالی، می‌توان وضعیت تیم ملی ایران را در سه سناریوی داستانی خلاصه کرد. سناریوی اول؛ در این حالت، شگفتی‌ها به نفع ایران رقم می‌خورد. ایران در یک‌هشتم با کویت یا فلسطین روبرو می‌شود. در گروه E، تیمی مثل تاجیکستان شگفتی‌ساز شده و حریف ایران در یک‌چهارم نهایی می‌شود و در نیمه‌نهایی نیز به جای بر خورد باغول‌ها، با تیمی مثل چین یا امارات تقابل پیدا می‌کند. این مسیر، راهی فرش‌شده با گل سرخ به سوی فینال است.

سناریو دوم؛ بدترین اتفاق ممکن زمانی است که غول‌های آسیادر گروه‌های خودبیلغند. فرض کنید ایران در یک‌هشتم‌نهایی به دلیل نتایج عجیب دور

برنده بازی صدرنشین گروه E (کره جنوبی) و تیم دوم گروه D (عراق یا استرالیا) برود. تاریخ جام ملت‌ها برای ایران، با نسام کره جنوبی گره خورده است. تقابل‌های حماسی و نفس‌گیر سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۷، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۱ که با سه شکست تلخ و یک پیروزی شیرین همراه بود. آیا شاگردان قلعه‌نویی بار دیگر باید با ببرهای طاجوروبرو شوند؟ تقابل با کره جنوبی با تیمی با فیزیک استرالیای و تکنیک عراقی‌ها، سخت‌ترین خوان تیم‌ملی پیش از رسیدن به مرعب پایانی خواهد بود. اما پرده سوم؛ اگر ایران از خوان کره‌ای‌ها جان سالم به در ببرد، در ورز شگاه کینگ سعود احتمالاً با میزبان قدرتمند، یعنی عربستان سعودی (که فرض بر صدرنشینی آن در گروه A است) با تیمی از بین تیم‌های دوم گروه‌های B و F روبرو خواهد شد. نبرد با عربستان میزبان، با آن همه تماشایگر پر شور و ورز شگاه‌های مدرن، یک جنگ تمام‌عیار ورزشی خواهد بود. تیمی که برای فرار از طلسم کره‌ها من نشدن، تمام امکانات کشورش را بسیج کرده‌است.

پرده دوم؛ هر مرحله یک‌چهارم نهایی، نقطه عطفی است که عیار واقعی تیم‌ملی را مشخص می‌کند. در ورز شگاه کینگ فهد، ایران احتمالاً باید به مصاف

ریاضی و احتمالات، نقشه‌راه قهرمانی را ترسیم می‌کنند. تیم ملی در صورت صدرنشینی، باید چمدان‌ها را ببندد و ریاض را به مقصد جده و استادوم باشکوه کینگ عبدالله ترک کند تا در مرحله یک‌هشتم‌نهایی به مصاف یکی از تیم‌های سوم گروه‌های A، B، F برود. پسرده اول؛ اگر شگفتی خاصی رخ ندهد و فرمول‌ها درست کار کنند، حریف ایران در این مرحله، تیم سوم یکی از گروه‌های همسایه خواهد بود. تقابل با تیم سوم گروه A (احتمالاً کویت، فلسطین یا ترکی که کند تا در سناریویی رویایی است. اما اوای به روزی که شگفتی رخ دهد و تیمی مثل اردن، ازبکستان یا حتی ژاپن و قطر در گروه‌های خود سوم شوند؛ آن وقت ایران در همان گام نخست حذفی، با یک فینال زودرس روبرو خواهد شد. در این حال، در یک شرایط منطقی، ایران از این مرحله نیز به سلامت عبور خواهد کرد.

پرده دوم؛ هر مرحله یک‌چهارم نهایی، نقطه عطفی است که عیار واقعی تیم‌ملی را مشخص می‌کند. در ورز شگاه کینگ فهد، ایران احتمالاً باید به مصاف

جذابیت این نبرد زمانی به اوج می‌رسد که بدانیم روی نیمکت عراق، گراهام آرنولد نشستست؛ است؛ مردی که سال‌ها معمار فوتبال استرالیای بود و حالا باید علیه وطن ورزشی خود شمشیر بکشد.

تاجیکستان، شگفتی‌ساز دوره قبل و سنگاپوردیگر اعضای این گروه پیچیده هستند. در گروه B، ازبکستان پرستاره با اردن نایب‌قهرمان، بحرین و کره شمالی همیشه مرموز، یک رقابت میلی‌متری را تجربه خواهند کرد.

در گروه E، کره جنوبی با سون هیونگ مین و یارانش، امارات افت کرده اما متمول، و ویتنام را پیش‌رو دارد.

صعوداز گروه G برای ایران، نه که هدف یک وظیفه و ایستگاه اول است. با دو پیروزی احتمالی در همان دو بازی نخست، سرگروهی ایران مسجل خواهد بود. اما داستان اصلی جام ملت‌ها برای شاگردان قله‌نویی، دقیقاً از فر‌دای پایان

مرحله گروهی آغاز می‌شود؛ جایی که محاسبات ریاضی و احتمالات، نقشه راه قهرمانی را ترسیم می‌کنند

نگاهی به قرعه‌ایران در جام ملت‌های ۲۰۲۷ عربستان

هزار راه نرفته!

گروه با بیرون آمدن نام قرقیزستان از سید چهارم تکمیل شد. تیمی با رتبه ۱۰۷ جهان که شایدروی کاغذ حریف دندان‌گیری به‌نظر نرسد، اما شاگردان قلعه‌نویی در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ طعم دردسرهای این تیم سخت‌کوش و ستارگانی چون جونل کوجورا چشیده‌اند. با این حال، بسیار بعید است که قرقیزستان که در دوره قبل با تنها یک امتیاز قفس‌نشین شد، بتواند مانع از صعود بی‌دردسرایران شود.

در حالی که ایران و عربستان (میزبان رقابت‌ها که با عمان، فلسطین و کویت در گروه A هم‌گروه شده) در گروه‌های زندگی نفس راحتی کشیدند، طوفان در سایر گروه‌ها به پا شد. گروه F بی‌شک کانون توجهات و هیجان این تورنمنت خواهد بود؛ جایی که ژاپن، پرافتخارترین تیم قاره، باید پنجاهدر پنج‌ه قطر، فاتح دو دوره اخیر جام ملت‌ها بینسازد؛ تلاقی قدرت سنتنی شرق و ثروت و برنامهریزی غرب آسیا. در کنار آنها، اندونزی با لشکری از بازیکنان دورگه و هدایت جان هردمن (سرمربی سابق کانادا در جام جهانی ۲۰۲۲) و تایلند خطرناک، این گروه را به یک میدان جنگ واقعی تبدیل کرده‌اند.

گروه D نیز دست‌کمی از یک فیلم دلپره‌آور ندارد. استرالیای قدرتمند باید با عراق سرشاخ شود.

وقتی نام ایران به‌عنوان سرگروه گروه C از گوی خارج شد، نفس‌ها در سینه حبس بود تا سیدهای بعدی مشخص شوند. حضور ۲۴ تیم در جام‌ملت‌ها، به‌خودی‌خود زهر گروه‌های مرگ را تا حدودی گرفته است، اما سید دوم همیشه آستن حوادث است. جایی که نام‌هایی چون قطر، عراق و امارات می‌توانستند خواب هر سرگروهی را شفته کنند. اما چرخ روزگار و دستی که قرعه را برداشت، روی خوش خود را به یوزهای ایرانی نشان داد. سوریه، تیمی که با رتبه ۸۴ فیفا ضعیف‌ترین تیم سید دوم محسوب می‌شدد، در کنار ایران قرار گرفت. پس از آن، نوبت به‌ازدهای هخته آسیا رسید؛ چین از سید سوم، تیمی با رتبه ۹۴ که اگرچه نامی بزرگ و تاریخی در فوتبال آسیا دارد، اما سال‌هاست که آتش این‌ازدها خاموش شده است. چینی‌ها در جام ۲۰۲۳ فاجعه‌بار ظاهر شدند و بدون حتی یک گل زده و یک پیروزی، با اجسام وداع کردند.

آخرین خاطره پررنگ آنها از صعود، به‌جام ۲۰۱۹ بازمی‌گردد که آن‌هم در مرحله یک‌چهارم نهایی با سد محکم ایران بر خورد کرد و در هم شکست. پازل اعضای این گروه پیچیده هستند.

در گروه B، ازبکستان پرستاره با اردن نایب‌قهرمان، بحرین و کره شمالی همیشه مرموز، یک رقابت میلی‌متری را تجربه خواهند کرد. در گروه E، کره جنوبی با سون هیونگ مین و یارانش، امارات افت کرده اما متمول، و ویتنام را پیش‌رو دارد.

صعوداز گروه G برای ایران، نه که هدف یک وظیفه و ایستگاه اول است. با دو پیروزی احتمالی در همان دو بازی نخست، سرگروهی ایران تقریباً مسجل خواهد بود. اما داستان اصلی جام ملت‌ها برای شاگردان قلعه‌نویی، دقیقاً از فر‌دای پایان مرحله گروهی آغاز می‌شود؛ جایی که محاسبات

نگاهی به قرعه‌ایران در جام ملت‌های ۲۰۲۷ عربستان

هزار راه نرفته!

گروه با بیرون آمدن نام قرقیزستان از سید چهارم تکمیل شد. تیمی با رتبه ۱۰۷ جهان که شایدروی کاغذ حریف دندان‌گیری به‌نظر نرسد، اما شاگردان قلعه‌نویی در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ طعم دردسرهای این تیم سخت‌کوش و ستارگانی چون جونل کوجورا چشیده‌اند. با این حال، بسیار بعید است که قرقیزستان که در دوره قبل با تنها یک امتیاز قفس‌نشین شد، بتواند مانع از صعود بی‌دردسرایران شود.

در حالی که ایران و عربستان (میزبان رقابت‌ها که با عمان، فلسطین و کویت در گروه A هم‌گروه شده) در گروه‌های زندگی نفس راحتی کشیدند، طوفان در سایر گروه‌ها به پا شد. گروه F بی‌شک کانون توجهات و هیجان این تورنمنت خواهد بود؛ جایی که ژاپن، پرافتخارترین تیم قاره، باید پنجاهدر پنج‌ه قطر، فاتح دو دوره اخیر جام ملت‌ها بینسازد؛ تلاقی قدرت سنتنی شرق و ثروت و برنامهریزی غرب آسیا. در کنار آنها، اندونزی با لشکری از بازیکنان دورگه و هدایت جان هردمن (سرمربی سابق کانادا در جام جهانی ۲۰۲۲) و تایلند خطرناک، این گروه را به یک میدان جنگ واقعی تبدیل کرده‌اند.

وقتی نام ایران به‌عنوان سرگروه گروه C از گوی خارج شد، نفس‌ها در سینه حبس بود تا سیدهای بعدی مشخص شوند. حضور ۲۴ تیم در جام‌ملت‌ها، به‌خودی‌خود زهر گروه‌های مرگ را تا حدودی گرفته است، اما سید دوم همیشه آستن حوادث است. جایی که نام‌هایی چون قطر، عراق و امارات می‌توانستند خواب هر سرگروهی را شفته کنند. اما چرخ روزگار و دستی که قرعه را برداشت، روی خوش خود را به یوزهای ایرانی نشان داد. سوریه، تیمی که با رتبه ۸۴ فیفا ضعیف‌ترین تیم سید دوم محسوب می‌شدد، در کنار ایران قرار گرفت. پس از آن، نوبت به‌ازدهای هخته آسیا رسید؛ چین از سید سوم، تیمی با رتبه ۹۴ که اگرچه نامی بزرگ و تاریخی در فوتبال آسیا دارد، اما سال‌هاست که آتش این‌ازدها خاموش شده است. چینی‌ها در جام ۲۰۲۳ فاجعه‌بار ظاهر شدند و بدون حتی یک گل زده و یک پیروزی، با اجسام وداع کردند.

آخرین خاطره پررنگ آنها از صعود، به‌جام ۲۰۱۹ بازمی‌گردد که آن‌هم در مرحله یک‌چهارم نهایی با سد محکم ایران بر خورد کرد و در هم شکست. پازل اعضای این گروه پیچیده هستند.

در گروه B، ازبکستان پرستاره با اردن نایب‌قهرمان، بحرین و کره شمالی همیشه مرموز، یک رقابت میلی‌متری را تجربه خواهند کرد. در گروه E، کره جنوبی با سون هیونگ مین و یارانش، امارات افت کرده اما متمول، و ویتنام را پیش‌رو دارد.

برنامه نبرد یوزها در مرحله گروهی:
گام اول؛ ۱۹ دی ماه ۱۴۰۵ / ایران - چین
گام دوم؛ ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۵ / ایران - قرقیزستان
گام سوم؛ ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۵ / ایران - سوریه

اتفاق روز

قصه یک جنگ، لیگی ناتمام و سهمیه‌هایی که آتش به پای می‌کنند

گره کور



نگار رشیدی

فوتبال ایران این روزها یکی از ملتهب‌ترین، عجیب‌ترین و در عین حال تاریخی‌ترین دوران خود را سپری می‌کند؛ روزهایی که صدای سوت‌داوران در ورز شگاه‌های خالی خاموش شده و جای خود را به همه‌همه پشت‌دره‌های بسته در راهروهای ساختمان خیابان ستول داده است. لیگ بیست‌وپنجم، لیگی که با هزاران امید، کوی‌خوانی و آرزو روی سکوها آغاز شد، حالا در پیچیده‌ترین دوراهی تاریخ خود گرفتار آمده‌است. سالیانه شش‌هنگام یک جنگ ۴۰ روزه، نه تنها اقتصاد و سیاست، بلکه تار و پود ورزش کشور را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. مستطیل سبز دیگر تنها تعیین‌کننده سرنوشت تیم‌ها نیست؛ بلکه حالا این‌نامه‌نگاری‌ها، جلسات پنهانی و ضرب‌الاجل‌های بین‌المللی هستند که مسیر آینده باشگاه‌های بزرگ ایران را ترسیم می‌کنند. در این میان، یک تصمیم به شدت جنجالی در آستانه اتخاذ است؛ تصمیمی که می‌تواند زلزله‌ای بی‌سابقه در فوتبال باشگاهی ایران به پا کند، چند تیم را به عرش ببرد و برخی دیگر را در اوج شایستگی و انتظار، به فرش بکوباند.

ماجرای جایی آغاز شد که کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) در راستای پروژه‌های توسعه‌محور خود، تصمیم به تغییرات بنیادین گرفت و مسابقات جدید لیگ‌نخبگان را به‌صورت ۳۲ تیم پایه‌پرزگی کرد. فوتبال ایران که سال‌ها درگیر سهمیه‌های لزان و اما و اگرهای پلی‌آف بود، ناگهان با یک بر فوق‌العاده مواجه شد؛ سهمیه ۱+۱ جای خود را

چهاره به چهاره

روایتی از صعود در امتیک‌اوستاروک به‌بوندس لیگای ۲ بانقش آفرینی فریدون زندی و دانیال داوری

رسانس ایرانی

نازنین دشتی

فوتبال، بازی بازگشت‌هاست؛ اما گاهی این بازگشت‌نه‌در مستطیل سبز به‌عنوان بازیکن، بلکه در لب‌خط و باکت و شلوار مریگری رقم می‌خورد. برای هواداران فوتبال در ایران، نام فریدون زندی و دانیال داوری باخاطراتی گره خورده که سال‌ها پس از آن می‌گذرد. یکی با آن موهای لخت و شسوت‌های پای چپ جادویی در دوران برانکو دیگری با قامت بلند و چهره‌ای مصمم که در جاده‌جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل، حراست از قفس‌توری تیم ملی را بر عهده داشت. حالا، سال‌ها پس از آن روزها، این دو در یک قالب مشترک و دنیای داوری باخاطراتی متفاوت، یکی از بزرگ‌ترین افتخارات دوران مریگری خود را جشن می‌گیرند؛ فتح آلمان و صعود به بوندس لیگای دو.

وقتی در ابتدای فصل، نام فریدون زندی به‌عنوان دستیار و دانیال داوری به‌عنوان مربی در میان‌ها در کادرفنی اوستاروک در دیده شد، شاید کمتر کسی تصویری کرد که این تیم با هدایت تیموشولتس و کمک‌های ایرانی‌اش، بتواند چنین طوفانی به پا کند. اوستاروک فصل‌ها در میانه‌های جدول و بانوسان آغاز کرد. اما گویی در رختکن این تیم، رازی نهفته بود که تنها با گذشت زمان فاش می‌شد.

فریدون زندی که سال‌ها در تیم‌های پایه آلمان از جمله سنن پائولی تجربه اندوخته بود، حالا در نقش عمای دست شولتس، به‌مغز متفکر تیم تبدیل شده بود. در کنار او، دانیال داوری که به خوبی با آتمسفر فوتبال حرفه‌ای آلمان آشنا بود، وظیفه ساختن دپواری رسوخ‌ناپذیر در خط دروازه را بر عهده داشت. نتیجه این همکاری، ثبت یکی از درخشان‌ترین نیم‌فصل‌های تاریخ لیگ‌سسه آلمان بود.

اماری که اوستاروک در نیم‌فصل دوم از خود به جای گذاشت؛ بیشتر به یک رویا شبیه‌است تا واقعیت فوتبال حرفه‌ای. آنها در تمامی دیدارهای نیم‌فصل دو تیم‌ها هفت امتیاز از دست دادند. میانگین ۱٫۶ امتیاز در هر مسابقه، آماری است که حتی غول‌های بوندس لیگ‌ها به ندرت به آن نزدیک می‌شوند.



تیم تحت‌هدایت کادر زندی و داوری، به‌ماشینی تبدیل شده بود که هیچ‌مانعی را بر نمی‌تافت. پیروزی مقابل رقبای مستقیم نظیر ان‌رگ کویوس، نه تنها صدر جدول را به آنها هدیه داد، بلکه شخصیت قهرمانی را در کالبد این تیم‌مدید کرد. آن روزهای سرنوشت‌ساز، تصویری از دانیال داوری منتشر شد که با شام وجود پیرساز یکنشان فریادمی کشید و پس از سوت پایان، اشک شوق می‌ریخت؛ تصویری که نشان می‌داد برای او، این صعود تنها یک ارقای شغلی نیست، بلکه اثبات دوباره توانایی‌هایش در مهد فوتبال اروپا است.

داستان قهرمانی اوستاروک اما یک فصل عجیب و فانتزی هم داشت. آن‌ها برای اولین‌بار، حتی منتظر سوت شروع بازی خودشان هم نماندند؛ در حالی که بازیکنان در رختکن ورز شگاه آماده می‌شدند تا مقابل وهن ویسپان به میدان بروند، چمنشان‌شان به‌صحنه تلویزیون دوخته شده بود. شکست‌قیب اصلی، یعنی ان‌رگ کویتوس مقابل دو سوبرگر، به این معادوب که اوستاروک پیش از آنکه استوک‌هاش چمن را لمس کند،

قهرمان شده است. صدای فریادشادی از خکتن به راهروهای ورز شگاه سرایت کرد؛ بازیکنان با پیراهن‌های ترمینی و در حالی که هنوز عرق گرم کردن بر تن نداشتند، به استقبال هوادارانی رفتند که ایستاده آنها را تشویق می‌کردند این لحظه نقطه عطف تاریخ باشگاه بود؛ جایی که اوستاروک با کسب سومین عنوان قهرمانی، به پرافتخارترین تیم تاریخ لیگ‌سسه آلمان تبدیل شد. شاید هر تیم دیگری پس از قطعی شدن قهرمانی در رختکن، بازی مقابل وهن ویسپان را جدی نمی‌گرفت، اما تیم شولتس، زندی و داوری، از جنسی دیگر بود. آنها ابتدا عقب‌انفادند، اما روحیه پیروزی طلبی‌که در تمرینات توسط کادرفنی تزریق شده بود، کار خودش را کرد. تساوی و سپس گل پیروزی بخش روبرت تشه در آخرین دقیقه بازی، ورز شگاه راه مرز انفجار رساند. سوت پایان بازی، هم‌زمان شد با هجوم هزاران هوادار به زمین؛ جشنی که فریدون زندی در میان آن، با بلند کردن همیشه‌گی و متین، میوه سال‌ها تلاش در رده‌های پایه‌رامی‌چید.

موفقیت زندی و داوری در آلمان، در کنار درخشش اخیر پژمان منتظری در لیگ ستارگان قطر، نوبت‌بخش ظهور نسل جدیدی از مربیان ایرانی در عرصه بین‌المللی است. اگر پژمان توانست یادانش و دیسیپلین خود، تیمش را در لیگ سخت‌قطر حفظ کند و تحسین کارشناسان عرب را برانگیزد، حالا زندی و داوری در قلب اروپا پرچم مریگری ایران را بالا برده‌اند.

این دو ستاره سابق، حالا ثابت کرده‌اند که فوتبال ایران تنها صادرکننده بازیکن نیست. فریدون زندی با نگاه تاکتیکی مدرن و دانیال داوری با تخصص در ساختار دفاعی، حالا به بوندس لیگای دو پای می‌گذارند؛ جایی که فشارها بیشتر و چالش‌ها بزرگ‌تر است. اما برای کسانی که از لیگ‌سسه با رکوردشکنی صعود کرده‌اند، هیچ چیز غیرممکن نیست.

شهر اوستاروک این روزها قرق در رنگ بنفش و سفید است. به‌زودی جام قهرمانی در ستان کاپیتان تیم‌ور در حضور کادرفنی ایرانی‌اش به آسمان بلند خواهد شد. برای فریدون زندی و دانیال داوری، این پایان یک مسیر نیست، بلکه آغاز یک ماجراجویی تازه است. آنها که روزی به‌عنوان بازیکن برای سربلندی ایران می‌جنگیدند، حالا در جبهه‌ای جدید، نام ایران را با تخصص و موفقیت در فوتبال ماشینی و منظم آلمان پیوند زده‌اند.

بوندس لیگای دو، فصل آینده میزبان دو چهره‌ای است که نشان دندارنداری فتح‌قله‌ها، گامی پایدازنوشروع کرده در سکوت ساخت و در نهایت، باصدای بلند جشن قهرمانی گرفت. این صعود تاریخی، هدیه‌ای بود از سوی دو ستار قدیمی به هواداران فوتبال در ایران؛ یادآوری این نکته که قهرمان‌ها هرگز تمام نمی‌شوند، آنها فقط نقش‌شان را عوض می‌کنند.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپنر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

اعلام کرده‌اند که توانایی تأمین بودجه و تیم‌داری با بریزوبیاش‌های سابق را ندارند. همین بحران خفه‌کننده مالی باعث شد تا ۱۴ تیم از لیگ‌های دسته یک و دو، رسماً با سال‌ها نلم‌های خواهان لغو کامل مسابقات شوند.

در این بلبشو، پای نهادهای بالادستی و سیاسی نیز به ماجرا باز شد. نامه جنجالی محمدمهدی فروردین، رئیس فراکسیون ورزش مجلس شورای اسلامی، به فدراسیون فوتبال، اوضاع را پیچیده‌تر از قبل کرد. او با اشاره به مشکلات حاد اقتصادی، چالش‌های امنیتی و مصائب سفرهای بین‌استانی، صراحتاً خواستار تعطیلی مسابقات باشگاهی در مقطع کنونی شد. هر چند فروردین بعدها، چرخشی عجیب، صحبت‌های خود را تعدیل کرد و حتی مدعی شد که خودش منتقد تعطیلی فوتبال است. این پارادوکس‌های رفتاری به خوبی نشان می‌دهد که مدیران فدراسیون فوتبال تا چه حد تحت فشارهای چندجانبه و متناقض قرار دارند.

در میان تمام این هرج‌ومرج‌ها، تنها یک موضوع برای مهدی تاج و تیم مدیریتی‌اش در سازمان لیگ به‌عنوان خط قرمز تعریف شده است؛ پرونده لیگ بیست‌وپنجم نباید نیمه‌کاره بسته شود. پیشینه‌هایی مبنی بر مختومه اعلام کردن لیگ بدون معرفی قهرمان و تیم‌های سقوط‌کننده و برگراری فصل آینده ۱۸ که با اضافه شدن دو تیم صعودکننده؛ از شدت باقاطعیت از سوی رئیس فدراسیون رده شده است. استدلال فدراسیون کاملاً منطقی است؛ در لیگی که تا هفته بیست‌وسوم هزاران میلیارد تومان از بیت‌المال و بودجه خصوصی در آن هزینه شده، نیمه‌کاره را کردن مسابقات دور ریختن تمام این سرمایه‌هاست. تاج با یادآوری دوران همه‌گیری کرونا و حتی تصمیمات کشور او که این در زمان آغاز جنگ، تاکیدار دارد. اگر سهمیه‌های آسیایی در خر داده‌ام و پیش از باید در زمین چمن به پایان برسد، نه‌روی کاغذ.

تصمیم‌نهایی و قطعی فدراسیون این است؛ همه چیز فیز می‌شود تا جام جهانی ۲۰۲۶ به پایان برسد. فدراسیون امیدوار است تیم ملی تا ۲۸ تیرماه در جام جهانی پیش‌روی کند و بلافاصله پس از بازگشت ملی‌پوشان، تنور لیگ برتر دوباره گرم شود. اما این تصمیم یک باگ بزرگ، ترسناک و غیرقابل‌انکار دارد. اگر سهمیه‌های آسیایی در خر داده‌ام و پیش از شروع مجدد مسابقات، بر اساس جدول فعلی میان استقلال، تراکتور و سپاهان تقسیم شوند، تیم‌ها با چه هدفی در گرمای سوزان تیرماه به مصاف خواهند رفت؟ وقتی تکلیف بزرگ‌ترین پادشاه‌های لیگ (حضور در آسیا) مشخص شده باشد، آیا انگیزه اکثریت تیم‌ها به پایین‌ترین حد خود سقوط خواهد کرد؟ داده‌امه مسابقات در چنین شرایطی، ادامه لیگ و حتی جام حذفی را یک بکن‌نمایش سرد، بی‌روح و فرمایشیه تبدیل خواهد کرد. ساختمان ستول این روزها ملتهب‌تر از هر زمان دیگری است. فوتبال ایران در یک بن‌بست تاریخی گرفتار شده که در آن هیچ راه خروجی بدون هزینه و تبعات سنگین وجود ندارد. از یک سو، کنفدراسیون فوتبال آسیا با سرسختی تمام منتظر دریافت اسامی سه نماینده ایران است و از سوی دیگر، تیم‌های مدعی جام‌انده، خشم خود را برای حمله به تصمیمات فدراسیون آماده کرده‌اند. تا چند روز دیگر، مصوبه جنجالی هیات، نتیجه فدراسیون فوتبال از راه خواهد رسید. مصوبه‌ای که برای سه تیم بالای جدول حکم صعود به بهشت را دار و دوبرای سایر مدعیان، نمک پاشیدن روی زخم‌های باز یک فصل پرالتهاب است. باید منتظر ماند و دید؛ فوتبال باشگاهی ایران در آستانه تجربه یکی از پرحاشیه‌ترین روزهای تاریخ خود قرار دارد. روزهایی که نشان خواهد داد گاهی اوقات، زور میزهای مدیریتی و ضرب‌الاجل‌های بین‌المللی، از عرق ریختن بازیکنان در مستطیل سبز بسیار بیشتر است.